



نویسنده:

مصطفی کیانفرد

موضوع:

عوامل تحکیم بنیان خانواده

شهرستان بویراحمد، یاسوج

فهرست

۳	چکیده.....
۴	مقدمه.....
۵	تعریف خانواده.....
۵	اهمیت و ضرورت خانواده.....
۵	انواع خانواده.....
۸	عوامل تحکیم خانواده از نگاه قران و حدیث.....
۹	مهم ترین وظایف مشترک مرد و زن.....
۱۰	وظایف خاص مرد.....
۱۳	وظایف خاص زن.....
۱۴	برخی از عوامل دیگر تحکیم بنیان خانواده های امروزی.....
۱۸	نقش خانواده در جلوگیری از مشکلات فرهنگی.....
۱۸	سهم خانواده در مقابله با فساد و بد حجابی.....
۲۱	بحث و نتیجه گیری.....
۲۲	منابع.....

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی بومی موثر و مبتنی بر فرهنگ ایران، برای تحکیم بنیان خانواده های امروزی و داشتن جوانانی شاد، سالم و مولد انجام شد. **روش:** یک دانش آموز پسر از دبیرستان نیمه متمرکز پسرانه شاهد یاسوج با مطالعه کتب نویسندگان برجسته مطالبی تحت عنوان عوامل تحکیم خانواده های امروزی و نقش آنها در پیشگیری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه، جمع آوری کرد. **یافته ها:** مطالعات نشان داد که رفتار والدین با یک دیگر و چگونگی رابطه فرزندان و والدین با هم میتواند در استحکام بنیان خانواده و شکل گیری شخصیت فرزندان تاثیر مستقیم داشته باشد. **نتیجه گیری:** پژوهش حاضر می تواند در جهت جلوگیری از فروپاشی خانواده و جلوگیری از به وجود آمدن مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه مثر ثمر باشد. همچنین می توان گفت آموزش و آگاه سازی خانواده ها موجب تقویت این امر میشود.

کلیدواژه ها: خانواده، فرزندان، همسر، کودک

مقدمه

خانواده را نظامی تعریف می کنند که اعضای آن به طور مداوم در حال تعریف و باز تعریف ماهیت خود بر مبنای الگوهای ارتباطی هستند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها به شناخت بعضی از جنبه های عملکرد خانواده کمک می کند (یوسفی و حسن زاده، ۱۳۹۲).

با عنایت به این که از بعد عقیدتی، انسان محور و دلیل وجودی جهان (و آنچه در اوست) و خلیفه الله می باشد، از بعد اقتصادی پایه اصلی ثروت کشورها را تشکیل میدهد، و از جنبه اجتماعی زیربنای جامعه سالم، پیشرفته و تعالی محسوب می شود، هر گونه تلاش و کوشش و سرمایه گذاری مادی و معنوی در این راه سود دهی و اثر بخشی روز افزون و آرامش خاطری وافر را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، بی شک هر پدر و مادری مایل است که فرزندش را خوب تربیت کند تا موجب مباهات او در این جهان و سرای باقی شود. جهان و دوره ای که ما در آن زندگی می کنیم، دوره دگرگونی و تحولات است. تحولاتی که از ابتدای زندگی آدمی وجود داشته ولی آهسته و به کندی، اما از آغاز قرن ۱۷ میلادی این تحولات شکل دیگری به خود گرفت و آهنگ سریعی پیدا کرد. انسان امروزی دارای مشکلات نو ظهوری است؛ مشکلاتی مانند انواع بیماری ها، رکود اقتصادی، تورم، ازدیاد جمعیت و... در میان این ها مشکلاتی وجود دارد که از همه مهم تر است و آن حفظ هویت ملی، فرهنگی، سنن و آداب و رسوم ملی است. خانواده مهم ترین نهادی است که می تواند آتش این تهاجم فرهنگی را شعله ور کند یا با مدیریت صحیح خود باعث پیش گیری از مشکلات فرهنگی جامعه شود. زیرا خانواده اولین گروه اجتماعی است که کودک با آن رو به رو می شود و به همین علت شخصیت کودکان در خانواده شکل می گیرد (امیر حسینی، ۱۳۸۲).

فردی که به نمو یافتگی عاطفی دست یافته است، زندگی هیجانی خود را کنترل می کند (چمبرلین، ۱۹۶۰).
با توجه به اهمیت الگوهای ارتباط در خانواده و تاثیر آن بر تحول عاطفی فرزندان، آدلر (Adler) نمو یافتگی فرد را وابسته به محیط خانواده می داند و معتقد است اگر محیط خانواده مملو از همکاری، اعتماد متقابل و احترام باشد،

فرد تشویق می شود که به طریقی سازنده، بر احساس کهنتری خود غلبه کند (صفاپور، ۱۳۸۵). نتایج پژوهش لارسن و مونی (۲۰۰۸) نیز بیانگر آن است که نوجوانانی از نظر کیفی رابطه خوبی با والدین خود تجربه کرده اند، در مقایسه با نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه ناچیزی داشته اند، از سازش یافتگی بیشتری برخوردارند.

تعریف خانواده

خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن، شکل می گیرد و با تولید مثل توسعه می یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه بشر است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

از خانواده به وسیله دانشمندان مختلف تعاریف گوناگونی ارائه شده است که به چند مورد آن ها اشاره میکنیم.

صاحب نظران معتقدند: «خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد». خانواده رکن طبیعی و اساسی و نخستین مدرسه و مهد اصلی تربیت است. خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، آداب و سنت است و اهمیت آن دائمی است (قائمی، ۱۳۸۶).

- خانواده می تواند عامل سازندگی جسمی، روانی و عاطفی کودک باشد و یا عامل ویرانی و نابودی آن، می تواند شرافت و سلامت ایجاد کند یا انحراف و اختلال (قائمی، ۱۳۸۶).

اهمیت و ضرورت خانواده

خانواده به مثابه اصلی ترین پایگاه های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، همانند حلقه های زنجیر اجتماع انسان ها، اساسی ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارند. خانواده با پیمان ازدواج بین زن و مردی هوشمند و آگاه و برخورداری از بلوغ فکری و قابلیت های اجتماعی پایه گذاری می شود و این زوج ستون اصلی حیاتی ترین نهاد اجتماعی، یعنی «خانواده» را تشکیل می دهند. بنا بر این سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین زن و شوهر، والدین و فرزندان بستگی دارد. هرقدر روابط بین همسران بهتر، سالم تر و پر جاذبه تر باشد، زندگی شیرین تر و باصفا تر می گردد و فرزندان پر نشاط و موفق تربیت می شوند. به طور کلی سلامت و استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده و برخورداری پدران و مادران از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی های مستمر

ایشان ضامن رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان میباشد و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کجرویها و اختلالات روانی-اجتماعی ایشان نیز در گرو سلامت خانواده است (امیر حسینی، ۱۳۸۲).

انواع خانواده

خانواده‌ها از حیث کیفیت روابط اعضای آن، به سه دسته تقسیم می‌شوند.

۱- خانواده متزلزل

۲- خانواده متعادل

۳- خانواده متکامل

خانواده متزلزل: خانواده‌ای است که از درون تهی گشته، مسئولیت‌ها به کنار رفته، مدیریت تجزیه شده، فردای روشن و امید بخش وجود ندارد، اعضای خانواده رابطه‌ای با هم ندارند و برای هیچ یک از افراد حضور در آن خانواده آرامش خاطر و لذت ایجاد نمی‌کند.

خانواده متعادل: منظور از خانواده فاقد عیب و نقص نمی‌باشد، بلکه ممکن است اعضای آن دارای مشکلات و موانعی هم باشند لیکن در شیوه مقابله با آنها روش منطقی اتخاذ می‌کنند، در این خانواده موقعیت و جایگاه هر یک از اعضای خانواده دارای ویژگی‌هایی است:

۱- بینش تکاپویی در این خانواده حاکم است. یعنی بینشی که فرد را بر می‌انگیزد تا روابط زندگی را پدیده‌ای بسته، جبری و گریز ناپذیر نپندارند، اعضای خانواده یکدیگر را ارزشمند میدانند، به کرامت انسانی همدیگر احترام می‌گذارند و عرصه زندگی را به نوآوری‌ها می‌گشایند.

۲- تبادل عاطفی در برابر انجماد عاطفی وجود دارد. عواطف خود را با شیوه‌های قلبی، کلامی و عملی تبادل می‌کنند، به قلب اجازه ورود احساسات مفی را نمی‌دهند، به وسیله زبان ابراز محبت می‌کنند، و از بذل عواطف خالصانه دریغ ندارند.

۳- مثبت‌گرا هستند. از مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده متعادل، مثبت‌گرایی است. در این خانواده زوجین

بیشتر زیبایی‌های همدیگر را می‌بینند. حتی المقدور از جنبه‌های منفی اغماض می‌کنند، از هنر خوب

دیدن برخوردارند، جنبه‌های خوب شخصیت همسر خود را تحسین و تایید می‌کنند، جنبه‌های مشترک اعضا

را شناسایی کرده و به تقویت آنها می پردازند.

۴- در برابر تخصص، تفاهم دارند. برای رسیدن به تفاهم به حقوق متقابل می اندیشند، در حضور دیگران و در خلوت و تنهایی حریم یکدیگر را رعایت می کنند، به سخنان هم با علاقه گوش می دهند، از مقایسه همسر با دیگران به شدت پرهیز می کنند، صداقت و راستی را همواره در وجود خود تقویت می کنند.

۵- به جای واگرایی به همگرایی می اندیشند. در چنین خانواده ای اعضا با هم هماهنگی دارند، تشخیص مصلحت زندگی جمعی را به منفعت شخصی خود ترجیح می دهند، همگی به قرارداد های خانواده احترام می گذارند، آنجا که پای مصلحت بزرگ تری در میان باشد، خواسته های فردی را فدای اهداف خانواده نمی کنند و رفاقت و یکدلی جایگزین لجاجت و رقابت ناسالم می شود.

۶- مثل دو بال یک پرنده مکمل یکدیگرند. رشد و ترقی یکجانبه در این خانواده مورد نظر نبوده و از هر فرصتی برای رشد همدیگر و بهره وری از زندگی مشترک استفاده می کنند، هیچکدام دیگری را بار دوش نمی پندارد.

۷- به مشارکت به جای مفارقت می اندیشند، برای پذیرفتن هر گونه موفقیت یا شکست احتمالی، خود را آماده کرده و سهیم می دانند، دست همت بالا زده با همیاری و قبول مسئولیت در زندگی، بهترین جلوه مشارکت را به نمایش می گذارند. مشاور مطمئن و مطلوبی برای همدیگر هستند. مشارکت را در همه حال (مانند نگهداری فرزندان، بیماری همدیگر، مهمانداری، نقص عضویت و معلولیت، بیکاری، ورشکستگی مالی و...) سرلوحه زندگی خود قرار می دهند.

۸- به حق سالاری به جای مرد سالاری یا زن سالاری معتقد هستند. روابط در چنین خانواده ای بر اساس حق و حقیقت تنظیم می شود. جنسیت، سن و تحصیلات، هیچ کدام در برابر کلام منطق و حق ارجحیت پیدا نمی کند، در بحث و گفتگو، خداوند، منطق قوی، استفاده از آخرین اطلاعات و پرهیز از تحکم را مد نظر قرار می دهند.

۹- شادکامی را در برابر تلخ کامی قبول دارند. مهم ترین عامل تعادل در خانواده متعادل، مسرت و خوشرویی است. گشاده رویی و خوش خلقی از ویژگی های مردم ممتاز است، اعضای این خانواده به ظاهری شاد و با نشاط می اندیشند و از دریچه روابط امروز، فردایی روشن و پر امید را در ذهن خود به تصویر می کشند.

۱۰- به بزرگ منشی در مقابل کودک منشی می اندیشند. برای این منظور، بزرگواری و گذشت، عیب پوشی و پرهیز از اشاعه بدی ها، تقویت آرامش، فرصت بخشی برای اصلاح اشتباهات و رازداری و احترام به شخصیت همدیگر را همواره مورد توجه قرار می دهند.

خانواده متکامل: خانواده ای است که بعد از تعادل به تکامل رسیده است. حد اکثر قابلیت های اعضای آن کشف شده و پرورش داده می شود. در رفع آسیب های روانی و اجتماعی سایر اعضای خانواده گام بر می دارند. هدف هایی فراتر از منافع شخصی دارند، ارتباطات اعضای خانواده بر اساس اصول منطقی بر قرار می شود و همه در جهت تقویت و رشد یکدیگر تلاش میکنند و خانواده از استحکام کافی برخوردار است (شرفی، ۱۳۸۱).

عوامل تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث

یکی از اساسی ترین راه های استقرار و استمرار ارزش های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است. برای یافتن راه تقویت این نهاد ارزشمند، توجه به این نکته ضروری است که پیوند خانوادگی، در دو عنصر روانی و معنوی «محبت» و «قداست»، ریشه دارد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

از نظر احادیث اسلامی، دوستی، خود، نوعی پیوند خانوادگی است؛ چنان که از امام علی (ع) روایت شده است:

دوستی، خویشاوندی است (تمیمی، ۱۳۸۳).

امام علی (ع) نیاز خویشاوندی به دوستی را، بدین سان بیان میکند:

هر خویشاوندی، نیازمند دوستی است (مجلسی، ۱۳۸۴).

همچنین باور های دینی و اعتقاد به قداست خانواده، در پیوند خانوادگی، نقش سازنده و تعیین کننده دارند؛ زیرا زندگی و دوستی با کسانی که از باور های دینی برخوردار نیستند و تقدس معنوی خانواده را باور ندارند و تنها به ظواهر مادی می اندیشند، قابل اعتماد نیست. از امام علی (ع) روایت شده است که می فرماید:

دوستی دینداران، دیر گسل است و ثبات و دوام آن، همیشگی است (تمیمی، ۱۳۸۳).

پس هرچه موجب تقویت محبت و قداست خانواده شود، این نهاد مقدس را تحکیم می بخشد، و هرچه از محبت

و

قداست خانواده بکاهد، موجب سستی و فروپاشی خانواده می شود. نخستین گام در جهت تحکیم خانواده، رعایت آدابی است که برای تشکیل خانواده در اسلام، مقرر شده است.

افزون بر این، در احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، رهنمود های بسیار ارزنده ای برای تقویت محبت و قداست

خانواده ارائه شده است که مهم ترین آنها را به سه دسته می توان تقسیم کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷):

الف- وظایف مشترک مرد و زن.

ب- وظایف خاص مرد.

ج- وظایف خاص زن.

الف- مهم ترین وظایف مشترک مرد و زن:

۱- اظهار محبت

یکی از آداب مهم معاشرت در اسلام، اظهار محبت متقابل نسبت به یکدیگر است. از پیامبر خدا روایت شده است که می فرماید:

دوستی خود را نسبت به آن که تو را دوست دارد اظهار کن تا [این دوستی] استوار تر شود (ابن بابویه، ۱۳۶۱).

به طور طبیعی هرکس همسر خود را دوست دارد و اظهار محبت نسبت به او سبب می شود که دوستی آنان استوارتر شود و پیوند خانوادگی شان تحکیم یابد. زن و مرد، هر دو در این وظیفه شریک اند؛ ولی از آنجا که زن نیاز بیشتری به ابراز احساسات مرد دارد، در روایات اسلامی، اظهار محبت مرد به زن، بیشتر توصیه شده است.

از پیامبر (ص) روایت شده که می فرماید:

این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی رود.

همچنین اظهار محبت نسبت به فرزندان، موجب گرم شدن هرچه بیشتر کانون خانواده میشود:

مؤمن دوست خداست و فرزند او هدیه خدا، پس هر که خداوند در اسلام به او فرزندی روزی کرد، باید او را زیاد

ببوسد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

البته باید توجه داشت که افراط در محبت خانوادگی به گونه ای که موجب غفلت از خداوند متعال و ارزش های

اسلامی و انسانی شود، به شدت نکوهیده است.

بنا بر این، قلمرو دوستی و اظهار محبت نسبت به خانواده، محدود به مقررات اسلامی است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

۲- خوش خویی و خوش رفتاری

یکی دیگر از عوامل تحکیم خانواده خوش اخلاقی است. از پیامبر خدا روایت شده است که می فرماید:

خوش خویی، دوستی را استوار می کند (ابن شعبه، ۱۳۸۷).

این وظیفه نیز میان زن و مرد، مشترک است؛ اما از آنجا که مرد ریاست خانواده را به عهده دارد، در باره داشتن خوی نیکو، به او بیشتر توصیه شده است. از آنس به مالک نقل شده که از پیامبر پرسید: ایمان کدام یک از مؤمنان کامل تر است؟ پیامبر فرمود:

آن که با خانواده اش خوش اخلاق تر باشد.

۳- رعایت حقوق

یکی دیگر از وظایف مشترک زن و مرد - که نقشی اساسی در تحکیم نهاد خانواده دارد - رعایت حقوق متقابل یک

دیگر است. بر پایه روایتی، پیامبر خدا در باره این وظیفه چنین هشدار داده است:

آگاه باشید که شمارا بر زنانان حقی است و زنانان را بر شما حقی (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

در ارزیابی روایاتی که در باره حقوق مرد و زن وارد شده، توجه به این نکته ضروری است که اسلام، دین حق و عدالت است و بر اساس این، حقوق همه اعضای خانواده، اعم از مرد، زن و فرزندان، بر پایه نیازهای واقعی خانواده سالم و صالح، مقرر گردیده است. بنا بر این تاکید برخی از روایات بر حقوق ویژه مرد یا حقوق ویژه زن، می تواند ناظر بر شرایط خاص فرهنگی جامعه باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

ب- وظایف خاص مرد:

مرد به عنوان مدیر خانواده، علاوه بر وظایف مشترک، وظایف ویژه ای به عهده دارد که در انجام دادن آنها، نقش

مؤثری در تحکیم این نهاد، ایفا می نماید.

مهم ترین این وظایف عبارت اند از:

۱- تأمین نیاز های دینی

دین، اساسی ترین عامل امنیت و آرامش درونی خانواده است. از این رو، رعایت ارزش های دینی مهم ترین عامل تحکیم خانواده محسوب می شود. قرآن کریم مردان با ایمان را موظف کرده است که از طریق تأمین نیاز های دینی خانواده خود، آنان را از گرفتاری دوزخ محافظت کنند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷):

ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و خانواده تان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ ها هستند، حفظ کنید. بر آن آتش، فرشتگانی خشن و سخت گیر [گمارده شده] اند. از آن چه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند و آن چه را که مأمورند انجام می دهند (قرآن کریم، تحریم آیه ۶).

نخستین وظیفه مرد برای احیای ارزش های دینی در خانواده خود، وادار ساختن آنها به نماز است؛ زیرا نماز، از انواع ناهنجاری های اخلاقی و رفتاری پیشگیری می نماید. خداوند متعال خطاب به پیامبر خود می فرماید:

و خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش (قرآن کریم، طه آیه ۱۳۲).

بدیهی است که تاکید بر نماز در تربیت دینی، به معنای بی توجهی به دیگر ارزش ها نیست؛ بلکه برنامه ریزی جهت پرورش همه ارزش های اسلامی و انسانی در خانواده ضروری است، چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است که می فرماید:

فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن.

۲- تأمین نیاز های علمی و فرهنگی:

مدیر خانواده، نه تنها باید برای تربیت دینی اعضای این نهاد مقدس برنامه ریزی کند، بلکه موظف است که جهت تأمین نیاز های علمی و فرهنگی آنان، اقدامات لازم را انجام دهند. از امام علی روایت شده که می فرماید:

فرزندانتان را به علم آموزی وادارید.

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

بنده مؤمن، پیوسته برای خانواده اش دانش و تربیت نیکو به ارث می نهد تا این که همه آن هارا وارد بهشت کند.

۳- تأمین هزینه اقتصادی

یکی از وظایف اختصاصی و اصلی مرد، تأمین هزینه اقتصادی خانواده است. از منظر شماری روایات، تلاش برای انجام دادن این وظیفه فضیلتی همانند جهاد در راه خدا دارد:

کسی که برای تأمین هزینه خانواده اش و پدر و مادرش تلاش کند، همانند مجاهد در راه خدا است.

گشاده دستی در حد توان، نسبت به تأمین نیاز های خانواده نیز توصیه شده است:

خوشنود ترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار دهد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

البته افراط در گشاده دستی، نکوهیده است. بنا بر این، گشاده دستی برای خانواده نباید از مرز اعتدال خارج گردد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

۴- تأمین نیاز های روانی:

تأمین نیاز های روحی و روانی خانواده نیز در کنار تأمین نیاز های دینی، علمی، فرهنگی و اقتصادی آنها، در جهت تحکیم این نهاد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به این سخن آموزنده و سازنده بنگرید:

هر کس خانواده اش را شاد سازد، خداوند از آن شادی مخلوقی می آفریند که تا روز قیامت برایش طلب آمرزش میکند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

بر این پایه، هر اقدام مشروعی که در جهت شادی خانواده انجام می شود، مانند:

همنشینی با اعضای خانواده، غذا خوردن با آنها، مراعات میل آنها در انتخاب نوع غذا و هدیه آوردن از سفر برای آنها، پسندیده است.

۵- غیرت ورزی:

یکی از وظایف اختصاصی مرد، غیرت ورزی نسبت به همسر است. بدین معنا که وی نباید اجازه دهد همسرش آگاهانه یا نا خود آگاه، زمینه آلودگی و بی عفتی خود را فراهم کند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷).

البته غیرت ورزی نا به جا و محدود کردن بی جهت زن، نه تنها پسندیده نیست، بلکه یکی از عوامل فروپاشی خانواده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

ج- وظایف خاص زن:

در برابر همه وظایفی که برای اداره خانواده بر عهده مرد است مهمترین و وظایف اختصاصی زن عبارت اند از:

۱. پذیرفتن مدیریت شوهر بر خانواده

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و اداره آن مانند یک اجتماع بزرگ نیازمند مدیریت و رهبری است زیرا مدیریت جمعی ای که زن و مرد در آن مشترک باشد بی معناست. از این رو یکی از مرد و زن باید مدیر و دیگری معاون و تحت نظارت او باشد. قرآن کریم در اینجا تصریح می کند که مدیریت خانواده بر عهده مرد است:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (قرآن کریم، نساء آیه ۳۶).

مردان سرپرستان و نگهبان زنانند چراکه خداوند [از نظر اجتماعی] بعضی انسانها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده است. و [نیز] از آن رو که مردان از اموال خویش [برای زنان] هزینه می کنند.

بی تردید منظور از این سخن اجازه دادن به مرد در جهت خودکامگی و تزییع حقوق زن نیست. بلکه قرآن در عین حالی که از نظر مدیریتی مرد را بر زن ترجیح داده بر حقوق متقابل زن نیز تاکید می نماید و می فرماید:

و لهنَّ مِثْلُ الَّذِي بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (قرآن کریم، بقره آیه ۲۸۸).

و برای زنان بر عهده مردان حقوقی شایسته است مانند حقوقی که [برای مردان] بر عهده آنهاست و مردان بر آنها [از نظر ریاست خانوادگی] برتری دارند.

۲. امانتداری در غیاب شوهر

دومین وظیفه مهم زن این است که در غیاب شوهر از هر جهت امانتدار باشد. قرآن کریم بانوان شایسته را این چنان توصیف می کند:

فَالصَّلَاحَاتُ قَاتِتَاتٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ حَفِظَ اللهُ (قران کریم، نساء آیه ۳۴).

زنان شایسته زنانی خاضع [در برابر نظام خانواده] اند که در غیاب همسر اسرار و حقوق او را که خدا برای او قرار داده است حفظ می کنند.

این سخن در ادامه آیه قبل و اشاره به دومین وظیفه اختصاصی زن در زندگی اجتماعی و خانوادگی است. و ضمن تاکید بر اینکه ریاست شوهر را در امور خانواده می پذیرد و در برابر نظام خانواده تمکین می نماید نه تنها در حضور شوهر بلکه در غیاب او نیز از هر جهت امانتدار عفت خود و اسرار و اموال خانوادگی هستند و در برابر حقوقی که خداوند متعال برای آنها قرار داشته وظایف خود را به خوبی انجام می دهند و مرتکب خیانت نمی شوند. چنان چه در روایتی از پیامبر آمده است:

مرد را برای همسرش این حق است که در خانه اش بنشیند و به او محبت و عشق و شفقت ورزد. از به خشم آوردن او جلوگیری کند و در پی به دست آوردن خشنودی او باشد. به عهد و وعده اش وفا کند. از عصبانیت او بپرهیزد. کسی را در فرزندانش با وی شریک نگرداند. به او اهانت نکند و رنجش ندهد. در حضور او و نیز اموالش به او خیانت نکند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳).

برخی از عوامل دیگر تحکیم بنیان خانواده های امروزی

اینک ماییم و شناخت وظایف دوجانبه و حقوق طرفین و تقسیم کار که می تواند تعادلی در نظام خانواده پدید آورد.

شناخت حقوق

در بسیاری مواقع نشناختن حق و وظیفه ریشه عدم انجام وظیفه است و این «تقصیر» به آن «جهل» باز می گردد و اگر آگاهی از وظیفه وجود داشته باشد تا حدی جلوی کوتاهی ها و تخلفات گرفته می شود. پس در یک مجموعه هر کدام از افراد وظایفی بر دوش دارند، گام نخست آن است که «وظیفه» را بشناسند سپس به آن عمل کنند. بروز اختلاف در امور گاهی ریشه در مشخص نبودن حد و حریم تکالیف و وظایف اشخاص است و هر کس کار را به دیگری محول می کند یا انتظار انجام کارهایی را از دیگران دارد که شرعا و قانونا بر عهده آنان نیست و توقع اینان نابجا و غیر منطقی است. اگر در جامعه ای هم بخواهد «حق» عمل و اجرا شود و تیغ عدالت تخطی کنندگان را با آن ادب کند لازم است اشخاص هم حق را بشناسند و هم محدوده وظایف خویش را در قبال آن.

وظایف دو جانبه

در یک خانواده دو طرفی که زندگی مشترک دارند، حقوق متقابل نیز دارند. وقتی زن و شوهر همچنین اولیا و فرزندان هر کدام وظیفه ای نسبت به طرف مقابل دارند اگر آن را بشناسند و به آن عمل کنند علی القاعده نباید در خانه مشکل و اختلافی پیش آید.

در سازمان یافتن مسأله حقوق و وظایف در خانواده سه مرحله وجود دارد:

اول: شناخت این حقوق و وظایف

دوم: عمل به آن وظیفه و تکلیف

سوم: مراعات دو جانبه ی این حقوق

اگر این سه با هم در رفتار و معاشرت خانوادگی وجود داشته باشد کار به بروز مشاجره و دعوا و شکایت و دادگاه و زندان و جدایی و... کشیده نمی شود.

باید هم زن در برابر شوهرش مطیع، صبور، متحمل، قردان و وفادار باشد و هم شوهر نسبت به همسرش بردبار، نیکوکار، قدرشناس و احترام گزار و تأمین کننده نیازهای معیشتی و آسایش باشد.

اگر صبوری، قناعت، پرهیز از پرخاش و بد دهنی و بی احترامی خوب است باید از هر دو سو باشد نه آنکه یکی به خود حق بدهد هرچه خواست بگوید و هرچه خواست انجام دهد ولی از طرف مقابل انتظار داشته باشد که جز تسلیم، سکوت، تحمل و ادب برخوردی نداشته باشد و در مقابل هتاکیها و بی حرمتیهای او حتی پاسخ هم ندهد. نکته مهم پذیرش دو سوئه این حقوق و مراعات آنها از دو طرف است. این حقوق در کتابهای تربیتی و اخلاقی و حدیثی فراوان و متعدد است. در این احادیث آمده است که: زن از شوهر خویش فرمانبرداری داشته باشد بی رضایتی او کاری نکند و جایی نرود و نسبت به او حالت تمکین داشته باشد و شوهر را نیازارد و او را اندوهگین نسازد و در خانه خدمت کند و شوهرداری نماید و رضایت او را جلب کند و چراغ زندگی باشد و غذا بپزد و خانه را مرتب کند و وقتی شوهر می آید از او استقبال کند و آنگاه که بیرون می رود بدرقه اش کند و خود را برای غیر شوهرش نیاراید و بی اجازه و رضایت او در اموالش دخل و تصرف نکند و... این یک طرف قضیه است.

از سوی دیگر بر عهده ی مردان است که لوازم زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن را تهیه کند و در حد توان بر خانواده خویش وسعت و گشایش دهد و احترام زن را نگه دارد و از آزار و ضرب و شتم او بپرهیزد و خود را برای

همسرش آراسته و مرتب سازد و بخشی از وقت خود را صرف رسیدگی به کارهای خانه و انس با خانواده کند و با مدارا و خوش‌زبانی برخورد کند و... طبیعی است که اگر زن و شوهر هر دو به این وظایف عمل کنند خانه و خانواده ای خواهند داشت با صفا و آرام و گرم و بامحبت که زمینه رشد اخلاقی و تعالی فرهنگی خود و فرزندانشان نیز فراهم خواهد بود.

تقسیم کار

از نمونه های بارز مراعات حقوق طرفین، تقسیم کارهای خانه میان زن و شوهر است.

اساس حرمت گذاری به حقوق انسان «شناخت» و «مراعات» حقوق و وظایف است نه صرفاً شعار به سود حقوق بشر. همین که اسلام برای زن حق مالکیت و استقلال اقتصادی و انتخاب و... قرار داده است نشانه حرمت نهادن به اوست. اینکه شوهر در مقابل همسرش وظایف و تعهداتی دارد نشانه ی دیگری از این «حق» و «احترام» است.

خانه ای که بر شالوده «محبت» استوار شده باشد هر یک از زن و شوهر بیش از آنچه که وظیفه شان است کار و تلاش می کنند آن هم عاشقانه و از روی مهر، احساس رضایت و خرسندی.

مرد باید در کارهای خانه به همسرش کمک کند که این بالاتر از تقسیم کار است.

تأثیر مشورت

خودرأیی و استبداد به رأی و تک روی و خود محوری پایه بسیاری از ناهنجاری هاست. در مسایل خانوادگی تصمیم گیریهای یکطرفه و بدون مشورت با سایر افراد خانواده مسأله ساز است. هم احترام گذاشتن به همسر و فرزندان ایجاب می کند که درباره موضوعاتی که به امور خانواده مربوط می شود با آنان مشورت شود هم ثمره ی آن بهره گیری از افکار آنان است.

چه خوب است که خانه ها مجلس شورای خانوادگی باشند و اعضای خانواده همه حق نظر دادن داشته باشند و مسایل و مشکلات خانواده را با سرانگشت مشورت و تبادل نظر حل کنند.

لازمه یک زندگی جمعی تفاهم، حسن نظر و اعتماد است. بکارگیری اصل مشورت در خانه این عناصر مورد نیاز را در پدید آمدن محیط و جمعی صمیمی و متعادل فراهم می سازد.

مشاور پیر یا جوان؟

البته در مشورت سن و سال چندان ملاک نیست. آنچه رایزنیها را اعتبار می بخشد و مشورت را ارزشمند و قابل اعتماد می سازد عقل، تجربه، ایمان و صداقت است. مشاوره با خردمندان مجرب و مومنان صادق مانع آسیب در عمل و تصمیم می شود. و چون علی القاعده پیران کار آزموده و سالمندان جهان دیده باتجربه ترند و تجربه بالاتر از علم است توصیه شده که با سالمندان مجرب مشورت کنند. در خانه دیدگاه بزرگ خانواده و خاندان می تواند طرف مشورت خوبی باشد (محدثی، ۱۳۸۷).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

أَفْضَلُ مَنْ شَاوَرْتَ ذُوِي التَّجَارِبِ (تمیمی، ۱۳۸۳).

برترین کسی که با آنان مشورت می کنی صاحبان تجربه هایند.

حرمت بزرگان

پدر و مادر به معنای واقعی کلمه، چراغ خانه اند. بخصوص اگر به سن بالایی رسیده باشند محور وحدت و رمز همبستگی در افراد خانواده اند. هم احترامشان لازمتر است و هم حقوق اخلاقی و معاشرتی شان بیشتر است (محدثی، ۱۳۸۷).

در فرهنگ دینی و آداب تربیتی ما بزرگداشت و حرمت نهادن به بزرگترها یک وظیفه است. توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام این است که دانشمند را به خاطر علمش و بزرگسالان را به خاطر سن و سالش باید احترام کرد.

يُكْرَمُ الْعَالِمُ لِعِلْمِهِ وَالْكَبِيرُ لِسِنِّهِ (تمیمی، ۱۳۸۳).

کانون خانواده به شدت محتاج این تکریمها و حرمت نهادن به بزرگان است تا از اراده و تدبیر و کارآرایی و بزرگان در حل مشکلات و ایجاد صفا و صمیمیت و رفع منازعات بهترین بهره گرفته شود. وقتی بزرگ خانواده می تواند به عنوان مشاور عالی نظر بدهد و نظرش حرف آخر و فیصله دهنده برخی کشمکشها باشد، که آن جایگاه والا و ممتاز و مورد اعتماد و حرمت را داشته باشد (محدثی، ۱۳۸۷).

امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس که به بزرگ ما احترام نگذارد و به کوچک ما ترحم نکند از ما نیست (مجلسی، ۱۳۸۴).

فرزندان و حق تربیت

فرزند گوهری است نفیس که در صدف خانواده می کند و در سایه تربیت و تأدیب پدر و مادر قیمتی می شود. والدین هر چه بیشتر در تربیت فرزند بکوشند و سرمایه گذاری مادی و معنوی کنند و بیش از پول وقت صرف کنند و حوصله به خرج دهند ثمره آن به خودشان برمی گردد و از محصول شیرین این بوستان بهره مند می شوند.

وظیفه ای به نام تربیت

نیازهای روحی و عاطفی از یک سو و نیاز به ادب و تربیت از سوی دیگر والدین را در قبال کودکان مسئول می سازد و حق و تکلیفی بر دوش آنان می گذارد. طبعاً ادای این حق واجب است و کوتاهی در آن موجب عقوبت از سوی خدا و ملامت از مردم است (محدثی، ۱۳۸۷).

نقش خانواده در جلوگیری از مشکلات فرهنگی

گفت و گو با فرزندان

والدین میتوانند از طریق گفتگو با فرزندان، آن ها را از تجربه های خود آگاه کنند و مهر و محبت خویش را به آنها نشان دهند. نوجوان و جوان، تشنه برقراری رابطه و سخن گفتن است. لذا اگر گوش شنوایی در خانواده پیدا نکند، ممکن است با کسانی به گفت و گو بنشینند که او را به سوی رفتار های خطرناکی مانند اعتیاد، سرقت و... هدایت کنند (رزاقی، ۱۳۸۸).

بنا بر این، سخن ما توصیه به اعضای خانواده برای سخن گفتن با یکدیگر از روی مهر و دوستی است. با فرزندان خود سخن بگوئید و گوش شنوایی برای حرف های آنان داشته باشید. ممکن است آن ها حرف هایی بزنند که با مزاج شما سازگار نباشد، اما باید حرف های آنان را بشنوید و برای این کار، حوصله و رغبت کافی از خود نشان دهید (ابهری، ۱۳۹۰).

سهام خانواده در مقابله با فساد و بد حجابی

در بحث ریشه ها در مورد نقش و نفوذ خانواده در حد مقدور، مطالبی ارائه شده لذا در اینجا نیازی به تکرار نیست. اما در این مجمل به همین مقدار اکتفا می شود که خانواده از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: پدر، مادر و فرزند. بر اساس آیات و روایات و نیز بر اساس تجربیات بشری، شخصیت و هویت، رفتار و افکار، آداب و عادات هر فرد، در درجه اول محصول ومولد منش، روش و کنش پدر و به خصوص مادر می باشد. لذا کسب آگاهی و اطلاعات از آموزه های وحیانی و قرآنی و التزام عملی اولیاء به توصیه های عالمان دینی و کارشناسان متعهد و با تجربه از اصلی

ترین پیش شرط های مقابله با حجاب و بد حجابی و ایجاد بالندگی و نشاط دینی و اجتماعی در بین اعضای خانواده به شمار می آید. به منظور رعایت اختصار و کاربردی نمودن بحث، تکیه بر نکات ذیل در جهت تشویق و ترغیب فرزندان به رعایت معیار های اخلاقی و حجاب و پوشش اسلامی (که ریشه در اعتقادات اکثریت مطلق مردم کشورمان دارد) توصیه می شود.

۱- همان طور که گفته شد. قبل از هر چیز پدر و مادر می بایست نسبت به حجاب و ارزش های دینی، انجام واجبات و پرهیز از محرمات، اعتقاد قلبی التزام جدی داشته باشند.

۲- مطالعه و مشاوره را هرگز فراموش نکنید. زندگی و سازندگی معنوی فرزندان را نباید از رانندگی، دامداری، باغبانی، نقاشی، آشپزی و آرایشگری کمتر و ساده تر دانست. برای به تصویر کشیدن صورت فرزندمان مدت ها آموزش دیده، ریاضت می کشیم و وقت و سرمایه و امکانات اختصاص می دهیم، برای سیر کردن شکم آنان در کارخانه، مزرعه، معدن و اداره ساعت ها و روز ها کار های سخت انجام می دهیم، برای پرورش دام و گل و گیاه دوره های آموزش طی می کنیم و بعضا افتخار کسب مدرک دامپزشکی و گیاه پزشکی و زمین شناسی را به دست می آوریم. برای معالجه بیماری های جسمی فرزندانمان بلافاصله به متخصص و کارشناس مراجعه نموده، وقت، پول و کار و تولید را به راحتی نادیده و ناچیز می پنداریم. اما برای پیچیده ترین مسایل زندگی، یعنی اختلالات اخلاقی و رفتاری و تحصیلی آنان به دانسته های ناقص اطرافیان اکتفا نموده و خودسرانه به هر نوع اقدام نادرستی دست زده و خود را از هر متخصص و کارشناس عالمی بی نیاز می دانیم.

پیدا است که نتیجه همان چیزی خواهد بود که امروز در خانه و مدرسه و جامعه جوانمان شاهدیم. گسترش روز افزون ناهنجاری ها، ناسازگاری ها، تنش ها و چالش های خانوادگی، دختران و پسران فراری، اعتیاد، طلاق، خود آرایی های مضحک و افراطی، روابط نا سالم گروه های غیر هم جنس و ده ها معضل و مشکل فساد ساز و فرصت سوز.

توصیه های مهم قرآن و تاکیدات مکرر معصومین (ع) که با نور وحی حقایق عالم و واقعیت ها را مورد مشاهده و تجزیه و تحلیل قرار می دهند، برای تشکیل خانواده و تضمین بهداشت روحی، روانی و سلامت جسم و جان اعضای خانواده و جامعه می بایست به سه اصل مهم و حیاتی توجهی جدی و مستمر داشت: علم، ایمان و عمل. اولین گام در این بستر، مطالعه و مشاوره (بهره گیری از تخصص و توان علمی اهل فکر و تجربه و ایمان مذهبی) می باشد.

مطالعه، مشاوره (با مشاوران وارسته و توانا) و تصمیم و اجرای پی گیرانه آن چه که از این فرآیند به دست می آید، راز تمامی توفیقات، شادی ها و بالندگی هایی است که در سراسر زندگی انسان های متعالی و موفق به چشم می

خورد.

در اهمیت و ضرورت مشاوره، همین بس که پیامبر اکرم (ص) برای ازدواج با شخصیتی آسمانی چون خدیجه کبری (س)، به مشورت با عموی خود ابوطالب و خدیجه (س) با عموی خویش به مشاوره پرداختند. هم چنین علی (ع) برای ازدواج با ام البنین (س) با برادرش عقیل (که در نسب شناسی ید طولایی داشت) مشورت نمود. حاصل این پیوند مبارک فرزند دلاوری چون حضرت عباس (ع) بود. امیر مومنان علی (ع) در مورد عدم به رسمیت شناختن مشاوره می فرمایند: «هرکس تنها به رای خویش تکیه کند هلاک شود و هرکس با صاحب نظران به مشورت و تبادل نظر بپردازد، در عقل ایشان شرک گردد.»

بنابراین، از همین امروز همه ی ما برای مقابله با مظاهر فساد و تباهی، تنش ها و تلخی ها و خود نمایی ها و کشانیدن تمتعات کانون خانواده به سطح جامعه و در نتیجه تربیت و تزکیه ی نسلی شاداب، پویا، مولد، متخصص و پرتلاش می بایست ضمن مطالعه کتب و آثار نویسندگان متخصص و متعهد در زمینه ی مسایل مربوط به خانواده و تربیت، مشاوران و کارشناسان تربیتی را به رسمیت شناخته و برای پیشگیری و درمان مشکلات خانوادگی و تربیت فرزندانمان فقط به آنان (و نه به اطرافیان غیر متخصص) مراجعه کنیم.

۳- یکی از موثر ترین راه های مقابله با تحقیر و تحمیق زنان در جامعه (به عنوان ریشه اصلی احساس خود کم بینی، خود آرایی و بد حجابی)، ایجاد رابطه ی عاقلانه و عاشقانه بین زن و شوهر و نفی فرهنگ مرد سالاری در محیط خانواده می باشد.

نباید زنان در بین اعضای خانواده، از زن بودن خود ابراز نا خرسندی کنند. رعایت حدود و حقوق زن و سهیم نمودن وی در دارایی ها و مدیریت ها و تصمیم گیری ها از اصول اولیه زناشویی و از عوامل مهم مقابله با تحقیر و عوارض ناشی از آن به شمار می آید که نباید در بستر تشکیل و مدیریت مطلوب خانواده مغفول بماند.

ایجاد ارتباط کلامی مفید و مستمر و صمیمی بین زن و شوهر، دادن هدیه به مناسبت های سال روز ازدواج، روز تولد، روز زن، روز مادر و... از جمله ابزار و بهانه های به جا و مناسبی هستند که می توانند در فرآیند مقابله با تحقیر و تحمیق زن مورد استفاده قرار گیرند.

بدون شک اگر دختران و پسران جوان در محیط خانواده شاهد رفتار تحقیر آمیز پدر با مادر بوده و همدلی و رفاقت و عدالت و محبت را در بین آنان مقولاتی فراموش شده بدانند، اغلب دچار آسیب های اخلاقی و رفتاری فراوانی می شوند که احساس حقارت و خود کم بینی دختران و احساس غرور و خود برتری پسران از جمله آن ها به شمار

می آید.

دختران آسیب دیده با فاصله گرفتن از پدر و مادر و گرایش به خود نمایی و خود آرایی و به نمایش گذاشتن تن و اختلال روحی و روانی و افت تحصیلی به تسکین کاذب خود می پردازند و پسران، با تکیه به قدرت غرور و با تحقیر غیر هم جنس و تجاوز به حقوق، حدود و حریم بانوان راه پدران خود را ادامه می دهند (رزاقی، ۱۳۸۸).

بحث و نتیجه گیری:

خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. خانواده می تواند عامل سازندگی جسمی، روانی و عاطفی کودک باشد و یا عامل ویرانی و نابودی آن، می تواند شرافت و سلامت ایجاد کند یا انحراف و اختلال (قائمی، ۱۳۸۶). هر قدر روابط بین همسران بهتر، سالم تر و پر جاذبه تر باشد، زندگی شیرین تر و باصفا تر می گردد و فرزندان پر نشاط و موفق تربیت می شوند. به طور کلی سلامت و استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده و برخورداری پدران و مادران از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی های مستمر ایشان ضامن رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان میباشد و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کجروی ها و اختلالات روانی-اجتماعی ایشان نیز در گرو سلامت خانواده است (امیر حسینی، ۱۳۸۲). به طور طبیعی هر کس همسر خود را دوست دارد و اظهار محبت نسبت به او سبب می شود که دوستی آنان استوارتر شود و پیوند خانوادگی شان تحکیم یابد. زن و مرد، هر دو در این وظیفه شریک اند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳). در یک خانواده دو طرفی که زندگی مشترک دارند، حقوق متقابل نیز دارند. وقتی زن و شوهر همچنین اولیا و فرزندان هر کدام وظیفه ای نسبت به طرف مقابل دارند اگر آن را بشناسند و به آن عمل کنند علی القاعده نباید در خانه مشکل و اختلافی پیش آید. چه خوب است که خانه ها مجلس شورای خانوادگی باشند و اعضای خانواده همه حق نظر دادن داشته باشند و مسایل و مشکلات خانواده را با سر انگشت مشورت و تبادل نظر حل کنند. لازمه یک زندگی جمعی تفاهم، حسن نظر و اعتماد است. بکارگیری اصل مشورت در خانه این عناصر مورد نیاز را در پدید آمدن محیط و جمعی صمیمی و متعادل فراهم می سازد (محدثی، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش لارسن و مونی (۲۰۰۸) نیز بیانگر آن است که نوجوانانی از نظر کیفی رابطه خوبی با والدین خود تجربه کرده اند، در مقایسه با نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه ناچیزی داشته اند، از سازش یافتگی بیشتری برخوردارند. والدین میتوانند از طریق گفتگو با فرزندان، آن ها را از تجربه های خود آگاه کنند و مهر و محبت خویش را به آنها نشان دهند. نوجوان و جوان، تشنه برقراری رابطه و سخن گفتن است. لذا اگر گوش شنوایی در خانواده پیدا نکند، ممکن است با کسانی به گفت و گو بنشینند که او را به سوی رفتار های خطرناکی مانند اعتیاد، سرقت و... هدایت

کنند (رزاقی، ۱۳۸۸). یکی از موثرترین راه‌های مقابله با تحقیر و تحمیق زنان در جامعه (به عنوان ریشه اصلی احساس خود کم بینی، خود آرایی و بد حجابی)، ایجاد رابطه‌ی عاقلانه و عاشقانه بین زن و شوهر و نفی فرهنگ مرد سالاری در محیط خانواده می باشد. بدون شک اگر دختران و پسران جوان در محیط خانواده شاهد رفتار تحقیر آمیز پدر با مادر بوده و همدلی و رفاقت و عدالت و محبت را در بین آنان مقولاتی فراموش شده بدانند، اغلب دچار آسیب های اخلاقی و رفتاری فراوانی می شوند که احساس حقارت و خود کم بینی دختران و احساس غرور و خود برتری پسران از جمله آن ها به شمار می آید (رزاقی، ۱۳۸۸).

منابع

- محدثی، جواد. (۱۳۸۷). الفبای زندگی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- رزاقی، احمد. (۱۳۸۸). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: راه ابریشم.
- شرفی، محمد رضا. (۱۳۷۳). خانواده متعادل. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- قائمی، علی. (۱۳۸۶). کودک و خانواده نا بسامان. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- امیر حسینی، خسرو. (۱۳۸۲). خانواده خوشبخت فرزند موفق. تهران: عفاف کامل.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۷). تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ابهری، مجید. (۱۳۹۰). آسیب های اجتماعی. تهران: انتشارات پشتون.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۴). بحارالانوار. جلد ۷۸ و ۷۹. تهران: چاپ وزارت ارشاد.
- ابن بابویه. (۱۳۶۱). مصداقه الاخوان. مترجم خراسانی کاظمی، کاظمیه: نثرات کاتبه الامام صاحب الزمان العامه.
- تمیمی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۸۳). غررالحکم. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۷). تحکیم خانواده از نگاه قران و حدیث. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۳). دوستی در قران و حدیث. چاپ سوم، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- اشرفی تبریزی، مصطفی. (۱۳۸۰). ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قرآن کریم. چاپ اول، تهران: انتشارات گلشن.
- حسن زاده، م؛ یوسفی، ف. (۱۳۹۲). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و خلاقیت اجتماعی دانش آموزان. مجله ی علوم فناوری، ۷ (۲)، ۱۱۶-۱۰۹.

صفایور، آ. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه رابطه بلوغ عاطفی و سازگاری زناشویی کارکنان مرد متأهل دارای استنباط سالم و ناسالم از خانواده های خود در شرکت خطوط لوله نفت منطقه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز.

Laursen, B., & Mooney, S. (2008). Relationship network quality: Adolescent adjustment and perceptions of relationships with parents and friends. *American Journal of Orthopsychiatry*, 78 (1), 47-53.

Chamberlain, V. C. (1960). *Adolescence to maturity*. London: The Badley Head.